



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۱۱-۳۲۰

نقش نهادگرایی در توسعه پایدار منطقه‌ای

لطفعلی کوزه گر کالجی^۱، علی نوروزی^۲

۱-دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی تهران

akozezar2010@gmail.com

۲-کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده

تجربه تاریخی بسیاری از کشورهای جهان نشان می‌دهد که جوامع توسعه یافته از نهادهای کارآمدی برخوردارند که در تحقق توسعه نقش بی‌بدیلی بر عهده داشته‌اند. همین امر موجب شده که امروزه نهادگرایی به یک ضرورت تبدیل شود که علاوه بر شکل‌گیری ساختار نهادی، عملکردهای آن نیز به دقت رصد شود و تاثیرات آن بر توسعه پایدار منطقه مورد کندوکاو قرار گیرد. بر همین اساس این پژوهش در تلاش است به روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از اسناد موجود؛ ضمن تشریح مفهوم نهاد و نهادگرایی؛ زمینه‌های نفوذ نهادگرایی در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و تاثیر نهادگرایی و ظرفیت‌های نهادی بر توسعه پایدار منطقه‌ای را بررسی نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نهادگرایی به‌جای تمرکز بر خلاصه آمارهای توصیفی و جمع‌شده در زمینه نتایج رشد و توسعه، در جستجوی تبیین ویژگی‌های اساسی و نوع رشد و توسعه می‌باشد. بر اساس این رویکرد، دارایی‌های مجزای محلی و قابلیت‌های اقتصادی درونی به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه و بنیانی برای ایجاد و راه‌اندازی رقابت‌پذیری محلی و منطقه‌ای تلقی می‌شوند. نهادگرایی بر شرایط و بنیان‌های لازم برای توسعه محلی و منطقه‌ای تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، نهادها اعم از رسمی و غیررسمی به‌عنوان بخش مهم و جدایی‌ناپذیر در کاهش عدم قطعیت و ریسک و افزایش اعتماد در توسعه منطقه‌ای تلقی می‌شوند.

واژگان کلیدی: نهاد، نهادگرایی، توسعه پایدار، توسعه منطقه‌ای



شاپا الکترونیک: 645-3851

مقدمه

توسعه ملی از مسیر توسعه منطقه‌ای می‌گذرد. هرگز نمی‌توان شاهد کشوری توسعه یافته بود، مگر آنکه ابتدا توسعه و تعادل منطقه‌ای در آن کشور تا حدودی محقق شده باشد. تصمیم‌گیری و سیاستگذاری برای توسعه مناطق در مرکز، بدون دخالت ساکنان آن مناطق، و تلاش برای اجرای این برنامه‌ها از طریق نهادهای دولتی با ساختار بخشی از مهمترین ویژگی‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران از ابتدا شکل‌گیری روند مدرن برنامه‌ریزی تاکنون بوده است. این ویژگی‌ها خود منجر به بیگانگی ساختار اجتماعی مناطق با اهداف طرح‌ها و پروژه‌هایی است که در آن مناطق اجرا می‌شود. این بیگانگی اجتماعی تنها عاملی کمک‌کننده در اجرای این برنامه‌ها نبوده بلکه خود از جمله موانع نهادینه شدن توسعه پایدار در سطوح منطقه‌ای بوده است. بر همین اساس رهیافت نهادگرایی (به‌خصوص نهادهای وابسته به مردم و بخش خصوصی) در توسعه پایدار منطقه‌ای از مهم‌ترین موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است اما مطالعات تاریخی نشان می‌دهد غلبه رویکردهای اقتصادی بر آن موجب گشته تا از حوزه علوم اجتماعی و علوم جغرافیایی خارج گردد. به اعتقاد بسیاری از این افراد، نهادهای بخش اساسی ساختار اقتصادی در تمامی جوامع را تشکیل می‌دهند و توسعه اقتصادی هنگامی صورت می‌گیرد که همراه با تغییرات نهادی کارا باشد. به بیان دیگر نهادهایی مناسب و کارا هستند و می‌توانند پیش شرط توسعه محسوب شوند که شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی را تسهیل و تسریع بخشند. علی‌رغم اهمیت بحث‌های نهادی در مباحث آکادمیک و نیز به رغم اینکه دستور کارهای جهانی وجود سطحی از ظرفیت را برای دستیابی به توسعه پایدار از جمله ابزارهای پایه‌ای به شمار آورده‌اند با این حال این موضوع در ایران در حوزه سیاستگذاری و حتی در جامعه دانشگاهی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و مطالعات موجود در این زمینه اندک می‌باشند (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۲۱۳). با این حال در دهه‌های گذشته اندیشمندان داخلی نیز به اهمیت موضوع تاثیر نهادگرایی بر توسعه پایدار شهری، محلی و منطقه‌ای پی برده و به تحقیق در این خصوص پرداخته‌اند. این پژوهش نیز با درک این ضرورت در پی کندوکاو زمینه‌های نفوذ نهادگرایی در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و تاثیر نهادگرایی و ظرفیت‌های نهادی بر توسعه پایدار منطقه‌ای است.

مبانی نظری

دیرینه‌شناسی واژه نهاد نشان می‌دهد که نخستین بار توسط گیامباتیستا ویکو^۱ بکار گرفته شد (Hodgson, 2006: 1) و پس از آن در ادبیات علمی متداول گشت تا جایی که بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز این واژه را در ادبیات علمی خود بخصوص در مواجهه با رهیافت توسعه استفاده نمودند (Jameson, 2006: 369). هر کدام از نظریه‌پردازان نهادی، تعریف ویژه‌ای از واژه نهاد را ارائه نموده‌اند و نمی‌توان به اجماع کاملی از آن دست یافت (Goldsmith, 1992). بنابراین ادبیات کنونی بر روی یک تعریف واحد و جامع که مورد توافق همه دانشمندان نهادگرا باشد، وجود ندارد و هر کس مطابق تفکر و ذهنیت‌های خود

¹ Giambattista Vico

به تعریف جداگانه‌ای از نهاد پرداخته است؛ اما اکثر ادبیات این موضوع یک تعریف با بالاترین میزان مقبولیت از نهادها توسط نورث را پذیرفته‌اند. نورث بیان می‌کند که نهادها قوانین بازی در جامعه هستند؛ یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند. از نظر نورث و دیویس نهاد دارای سه معنی مختلف است. نهاد به معنی سازمان مانند نهاد مالی (بانک)، نهاد به معنی قوانین مانند نهاد مالکیت و نهاد به معنای شخص یا موقعیت مانند نهاد ریاست جمهوری. نهادها به دو دسته نهادهای رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شوند. نهادهای رسمی شامل قواعد، قوانین، سازمان‌ها و ... و نهادهای غیررسمی یا نهادهای ضمنی شامل عادت‌های فردی، روال عادی گروه‌ها، عرف، هنجارها، ارزشهای اجتماعی و ... هستند (North, 1992). ویلن معتقد است، نهادها "آن دسته از عادات تثبیت‌شده فکری هستند که در بین عموم انسان‌ها مشترک هستند" او همچنین با بیانی مشابه مطرح می‌کند که "نهادها محصول عادات هستند. ویلن در یکی دیگر از آثار خود و در راستای تأکید بر مفهوم عادت، پیشرفت در نهادها و خصلت‌های انسانی را پیامد انتخاب طبیعی مناسب‌ترین عادات و اندیشه‌ها و نیز نتیجه فرآیند تطابق اجباری با محیط در حال تحول در نظر می‌گیرد (مشهدی، ۱۳۹۲: ۵۳). کاوز^۲ بیان می‌کند که نهادها به منزله بدنه علم اقتصاد هستند. همچنان که مطالعه جریان خون بدون بدن انسان امکان‌پذیر نمی‌باشد، مطالعه علم اقتصاد بدون در نظر گرفتن نهادها قابل تصور نیست (متوسلی و فتح‌اللهی، ۱۳۸۹: ۲۹). نهادها به معنای "منابع و قواعد"، "دلالیت و مشروعیت"، "ساختارهای معنا"، "فعالیت‌های رسمی و غیررسمی"، "الگوهای رفتار"، "فرایندها" و "آداب و رسوم" است. نهادها الگوهای اخلاقی و شناختی را برای تفسیر و عمل فراهم می‌کنند (Verma, 2007). نهادها چیزی نیستند جز عادات فکری رایج که به مثابه هنجارهای هدایت‌کننده رفتار از مقبولیت عامه برخوردار شده‌اند. مفاهیم اجتماعی در قالب نهادها به عنوان یک مرجع هنجاری خاص برای افراد محسوب می‌شوند. استفاده روزمره این مفاهیم توسط تمامی افراد یک گروه اجتماعی موجب می‌شود الگوهای مشترکی در آنها بدون دخالت دانش‌شان شکل بگیرد و گه‌گاه بر سر راه کسانی که علاقه دارند با شیوه‌های اصلی (اولیه) کار کنند مانع ایجاد شود. آندریاس فالودی، نهادها را به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد و قوانین می‌داند که به شکل نظام‌هایی، مجموعه اقدامات بازیگران مختلف را ساختاردهی می‌نماید. این مجموعه نه فقط شامل قوانین رسمی و قانونی، که هنجارهای اجتماعی است که بازیگران عموماً به آنها احترام گذاشته و تخطی از آنها به از دست رفتن شهرت و آبرو، تقبیح و مزمت اجتماعی، عدم دعوت به همکاری و حتی محرومیت از حقوق اجتماعی و طرد شدن آنها منجر می‌شود. نهادها توسط اقدامات و رفتارهای انسانی، خواه در فرایندهای تکاملی ناشی از توافق‌های دو سویه و خواه از طریق طراحی‌های هدفمند و تعمدی، ساخته می‌شود و تغییر می‌کنند (Faludi, 2000: 24). در واقع نهادها چارچوب‌های هنجارها، قواعد و اقداماتی هستند که عمل را در بسترهای اجتماعی ساختار می‌بخشند. نهادها هم به شکل مقررات و ساختارهای رسمی و هم به‌صورت هنجارها و اقدامات غیررسمی در امور روزمره زندگی جمعی بروز می‌یابند. آنها فرایندهای تعاملی را شکل می‌دهند که از طریق این

² Coase

فرایندها، ترجیحات و علایق مشخص شده و تصمیمات اتخاذ می‌شوند (Healy, 2006). داگلاس^۳ (۱۹۸۷) نهادها را به مثابه تبلور اندیشه جمعی می‌شناسد که درعین حال توضیح‌گر جامعه‌اند. نهادها به این معنا بازنمایی‌های جمعی "جهان اندیشه"^۴ دورکهایمی^۵ به‌شمار می‌آیند (Abram, 2000) و یا میثاق‌های استقرار یافته‌ای هستند که بستر رشد افراد را فراهم می‌سازند. نهادها "سازندگان بنیادهای باور ما به درستی شیوه‌های خاصی از انجام چیزها" هستند (ibid, 353) و با این تعبیر به‌طور درونی با مفهوم بوردیو از عادت‌واره که پیش‌تر درباره آن بحث شد، مرتبط هستند. پس نهادگرایی اشاره دارد به "تجسم کردارهای خاص در زمینه وسیعی از مناسبات اجتماعی که از قلمرو سازمانهای رسمی تا فرایندهایی که طی آن زمینه‌ها، افراد و تفکر و عمل‌شان را برساخت می‌کنند گسترش می‌یابد (Healey, 1999:112-113). در تعریفی دیگر می‌توان گفت که مجموعه قواعد رفتاری ایجاد شده توسط انسان به‌منظور اداره و شکل‌دهی به تعاملات انسانیست که تا حدی به آن‌ها کمک می‌کند انتظاراتی از کنش دیگران داشته باشند (Lin & Negent, 1995: 2307). همانگونه که آشکار است تکثرگرایی فراوانی در تعریف نهاد وجود دارد اما همه تعاریف بر قواعد و قوانین نهادی مبتنی بر میثاق جمعی و هنجارهای اجتماعی تکیه دارند که دربرگیرنده آرمان‌ها و چشم‌اندازهای جامعه است بگونه‌ای که در درون نهاد تعارضات به حداقل کاهش می‌یابد و مناسبات اجتماعی در راستای تحقق آینده‌ای بهتر گام برمی‌دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی می‌باشد. پژوهش در دسته مطالعات کیفی قرار می‌گیرد که با بررسی و تحلیل کتاب‌ها، مقالات و یادداشت‌های علمی و سپس نکته‌برداری از آن‌ها در پی تشریح و تحقق اهداف پژوهش (در بخش بیان مساله) است.

بحث

زمینه‌های نفوذ نهادگرایی در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای

قرار گرفتن در مسیر توسعه، غایتی از پیش تعیین‌شده نبوده است و در کشورهای مختلف به دلیل زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مختلف متفاوت است (متوسلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰). پس از تجربه سیاست‌ها و استراتژی‌های مختلف توسعه در کشورهای مختلف، کشورها با پدیده‌ای مواجه شدند که ادامه تلاش‌ها را مشروط کرده بود. این پدیده که با تفاوت معنادار سطح توسعه مناطق داخلی یک کشور شناسایی می‌شود با عنوان عدم تعادل منطقه‌ای مطرح شده و کاهش آن یکی از اهداف سیاست‌گذاران توسعه بوده است (عظیمی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). راهکار سیاستی در مواجهه با چنین پدیده‌ای غالباً به کاربست نهادگرایی ختم شد. بنابراین در سال‌های اخیر تأکید جدیدی بر نقش عوامل نهادی در ساخت عمل اجتماعی همچون موجی خردمندانه در اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سازمانی و مدیریت در حال ظهور است. این گرایش نهادی در علوم سیاست‌گذاری و پژوهش‌ها در برنامه‌ریزی تأکید می‌کنند

³ Douglas

⁴ thought-worlds

⁵ Durkheim

که هر تلاش برنامه‌ریزی در یک زمینه نهادی مشخص که از طریق تاریخ و جغرافیایی خاص تکامل یافته، مستقر شده است و از طریق آن، تاریخ و جغرافیایی جدید به صورت مداوم در حال تکامل هستند. توجه به نهادها در هر یک از این علوم وجوه ویژه و منحصر به فردی دارد. این مسئله از آن سو بدیهی و قطعی می‌نماید که اصالتاً نهادها خود نمایان‌گر ویژگی‌های خاص هر موضوع و یا رفتاری هستند و بنابراین طبیعی است که نهادها در هر یک از زمینه‌های علمی، ویژگی‌های خاص خود را نشان دهند. یکی از سطوحی که نهادها در مقیاس سرزمینی کنشگری و فعالیت دارند سطح منطقه است و در واقع نفوذ نهادگرایان در سطح منطقه از اصلی‌ترین گام‌های مداخله در فرایندهای سرزمینی است و به‌طور کلی‌تر یکی از عرصه‌های اصلی که در دو دهه اخیر به شدت از رویکرد نهادگرایی تاثیر پذیرفته است سطوح مختلف فضایی توسعه است سطوحی همانند شهر، روستا، سطح محلی و منطقه‌ای که مباحث نهادگرایی در آن‌ها مورد توجه جدی قرار گرفته است. با مروری بر روندهای برنامه‌ریزی و منطقه‌ای از زمان‌های گذشته تا به امروز، اتخاذ و کاربست نوآوری‌های نظری و عملی از علوم دیگر را در راستای اهداف خود شاهد هستیم (علیان، ۱۳۹۸: ۲۸). هودسون که با رویکردی جغرافیایی نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای را مورد بحث قرار داده است اشاره می‌کند که علی‌رغم اینکه جغرافیدانان از دهه ۱۹۳۰ در زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای مساله چالش‌های منطقه‌ای بحث و بررسی کرده‌اند اما این بررسی‌ها در ابتدا بیشتر شکل توصیفی به خود گرفته بود. درحالی‌که به نظر هودسون از دهه ۱۹۵۰ و با روی آوردن جغرافیدانان به تبیین الگوهای فضایی و نه صرفاً توصیف آن‌ها، توانستند تا اندازه الگوهای نابرابری‌های منطقه‌ای را تبیین کنند. از دهه ۱۹۶۰ توجه به رویکرد اقتصاد سیاسی، رویکردهای نوینی را در مقابل جغرافیدانان برای تحلیلی هر چه بیشتر الگوهای توسعه و نابرابری‌های منطقه‌ای قرار داد. اما با همه این‌ها، چنین رویکردهایی نتوانست منطقه و توسعه منطقه‌ای را آن‌چنان که لازم است. تبیین نماید. بر همین اساس است که از دیدگاه هودسون رویکردهای جدیدی همچون رویکرد نهادی و توجه به توانایی و ظرفیت نهادی در تحلیل مسائل منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است (Hudson, 2004: 4-12). البته از دیرباز موضوع توسعه و بخصوص الگوهای توسعه، محور بحث و انتقادات زیادی در کشورهای توسعه یافته بوده است. امروزه الگوهای خطی تجویز شده همچون نظریه نوسازی (که پس از جنگ جهانی دوم و با پشتوانه دیدگاه خطی روستو در باب توسعه و سخنرانی ترومن در سال ۱۹۴۹ و همچنین برنامه‌های مالی-اجرایی مختلف آمریکا برای بازسازی اقتصادهای ویران‌شده بسیار مورد توجه بود) کارآمد نبوده و عموماً تحلیل‌گران بر این اصل اتفاق نظر دارند که باید الگوی توسعه‌ای هر کشور با شرایط خاص و ساختاری آن تناسب داشته باشد. بدین منظور، یکی از الگوهایی که متناسب با ساختار کشورهای خارج از مرکز همچون کره جنوبی و سایر کشورهای صنعتی شرق آسیا مورد توجه بوده، الگوی نهادگرایی است (حبیبی، ۱۳۸۹: ۶۰). امروزه الگو رویکرد نهادی در برنامه‌ریزی راهبردی [توسعه] با دو هدف اصلی توسعه و گسترش یافته‌است: رویکرد اول به دنبال مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های برنامه‌ریزی است و رویکرد دوم به دنبال مشاهده فرآیندهای نهادی اصلی در ارتباط با اجرایی شدن برنامه‌ها و پروژه‌ها است. از نظر ریوولین روش برنامه‌ریزی مانند هر فن دیگری در برابر تغییر شرایط، به تجدید ساختارهای خود می‌پردازد. در این زمینه و در یک رابطه دوسویه، نهادها می‌تواند به شیوه‌های مختلف،

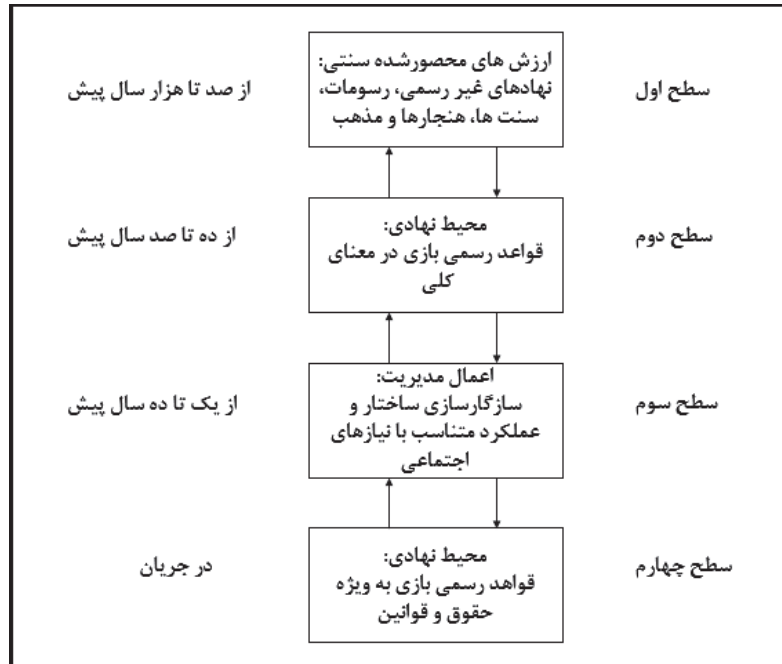
روش‌های برنامه‌ریزی را تحت تأثیر قرار دهد. هر چند در عمل تغییرات نهادی بسیار آرام و نیازمند صرف هزینه‌های بالا است. ماهیت تکاملی نهادها، برهانی برای ظرفیت استفاده از این مفهوم در برنامه‌ریزی است. نهادها منبعی از دانش‌اند که بسیار فراتر از اندوخته‌های ذهنی یک فرد بوده و عصاره‌هایی از تجربیات موفق و بیانگر دانش و معرفت چندین نسل هستند (دانشور و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۲۳).

تأثیر نهادگرایی و ظرفیت‌های نهادی بر توسعه پایدار منطقه‌ای

نهادگرایی در راستای پایداری یا عدم پایداری یک فضای جغرافیایی فقط یک ایده تحلیلی نیست، بلکه از زمان شکل گرفتن نهادگرایی جدید به‌عنوان پارادایم غالب توسعه و پایداری منطقه‌ای، در درون آن سیاست‌ها و ابزارهای متنوعی برای برخورد با مشکلات گوناگون در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ارائه شده است. توجه به ارتباط میان توسعه و نهادها قدمتی به اندازه علم مدرن دارد و حتی در آثار آدام اسمیت نیز می‌توان اشاره به اهمیت نهادها را مشاهده کرد اما اجماع عمومی درباره اهمیت نهادها در فرایند توسعه در خلال سال‌های اخیر به حدی بوده است که دهه اول قرن بیست و یکم را به حق می‌توان دوران تسلط اندیشه نهادی بر مباحث توسعه بخصوص در حوزه اقتصادی دانست. در خلال سالهای اخیر حتی سازمان‌های پیشگام رویکرد نئوکلاسیکی مانند بانک جهانی به این مساله اذعان کردند که دلیل شکست برنامه‌های توسعه در بسیاری از نقاط جهان بی‌توجهی به نهادها بوده است با این حال باید به این نکته توجه کرد که موضوع رویکرد نهادی به توسعه یک کلیت واحد نیست و انواع نظریه‌ها و گرایش‌ها در تحلیل نهادی توسعه وجود دارد. (مومنی و نیکونسبتی، ۱۳۹۶: ۲۰۰).

بنابراین می‌توان گفت بذر کنونی اندیشه نهادی که امروزه به اوج خود رسیده است از نیمه دوم قرن بیستم است و حضور صاحب‌نظران این اندیشه در میان برندگان جایزه نوبل بر جایگاه و اهمیت این رویکرد در ادبیات توسعه دلالت دارد (نایب، ۱۳۹۵: ۶۱). رویکرد نهادگرایی که از نظر اصطلاحی می‌توان آن را نوعی بدعت نامید، از نظر مفهومی و تئوریک کمتر مورد نقد قرار گرفته است و باید این نکته را مد نظر قرار داد که هرچند در سال‌های اخیر به‌عنوان جدیدترین و متاخرترین رویکرد از آن یاد می‌شود ولی چارچوب‌های نهادگرایی ممکن است شرط لازم برای توسعه منطقه‌ای باشد اما شرط کافی نمی‌باشد. در کاربست رهیافت نهادگرایی در مطالعات توسعه منطقه‌ای، نگاه به توسعه، قلمروی و سرزمینی است؛ بدین معنا که فضای منطقه در این حوزه از مطالعات به مثابه ظرف و بستر فرآیندها و تحولات اقتصادی، اجتماعی و محیطی است؛ به همین دلیل رویکرد نهادی می‌تواند در تبیین چرایی و چگونگی تأثیر سیاست‌های توسعه منطقه‌ای بر عوامل توسعه بسیار کارآمد باشد (اسماعیل‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷)، کارآمدی رویکرد نهادی از اصلی‌ترین شرایط تحقق توسعه است که خود کارآمدی مستلزم به‌روزرسانی و تغییرات نهادی در بستر زمان است. به نظر می‌رسد در راستای توسعه حداقل می‌توان چهار دوره تغییر در کارایی نهادها را به شرح نمودار شماره ۱ شناسایی کرد.

نمودار ۱. چهار دوره تغییر در کارایی نهادها



منبع: Williamson, 2002: 172

رویکرد چهارگانه فوق موجب گشته که در سالهای اخیر ادبیات مربوط به توسعه و نهادها به طور قابل توجهی رشد کند، برخی اندیشمندان با وجود تأکید کلی بر نهادها، به طور خاص بر نهادهای غیررسمی مانند باورها و مدل های ذهنی تأکید می کنند که مهم ترین نظریه پرداز در این باره نورث است. گروهی دیگر از نظریه پردازان بر تحولات تاریخی و تأثیر گذشته کشورها به ویژه مستعمره بودن آنها تأکید می کنند که در این باره، جانسون و همکاران بحث انگیزترین موضوع را مطرح کردند، باردهان نیز از دیگر اندیشمندان توسعه منطقه ای است که چندین موضوع مختلف از جمله مشارکت، هماهنگی و حقوق مالکیت را در این باره مورد توجه قرار می دهد (Bardhan, 2005: 109). از سوی دیگر توسعه پایدار یکی از مؤخرترین رویکردها در توسعه منطقه ای است. توسعه پایدار با انتقاد به اینکه شکل های سنتی توسعه محلی و منطقه ای بیش از حد، اقتصادمحور بوده اند مسائل زیست محیطی و اجتماعی را نیز هم پای توسعه اقتصادی سرلوحه کار قرار داده است.

در چارچوب رویکرد توسعه پایدار، توسعه محلی و منطقه ای باید همزمان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی صورت گیرد و توسعه در این عرصه، پایدار باشد. توسعه پایدار ایده های گسترده تری را در زمینه رفاه، سلامت، خوشبختی، کیفیت زندگی و امثال این ها در سطح محلی و منطقه ای مطرح نموده است (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۴۲). نهادگرایی به جای تمرکز بر خلاصه آمارهای توصیفی و جمع شده در زمینه نتایج رشد و توسعه، در جستجوی تبیین ویژگی های اساسی و نوع رشد و توسعه می باشد. بر اساس این رویکرد، دارایی های مجزای محلی و قابلیت های اقتصادی درونی به عنوان پایه ای برای توسعه و بنیانی برای ایجاد و راه اندازی رقابت-پذیری محلی و منطقه ای تلقی می شوند. نهادگرایی بر شرایط و بنیان های لازم برای توسعه محلی و منطقه ای تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، نهادها اعم از رسمی و غیررسمی به عنوان بخش مهم و جدایی ناپذیر در کاهش عدم

قطعیّت و ریسک و افزایش اعتماد در توسعه منطقه‌ای تلقی می‌شوند. نهادگرایی با تأکید بر اینکه فضاهای مختلف دارای شرایط نهادی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خاص خود هستند، معتقد به اصول انعطاف‌پذیر و مدل‌های متنوع توسعه منطقه‌ای و محلی می‌باشد. در رویکرد نهادگرایی مفاهیمی همانند سرمایه اجتماعی، اعتماد، شبکه‌ها، ساختارهای حقوقی و مقرراتی، هنجارها، اشکال سازمانی، ترتیبات نهادی، درجه رسمی بودن نهادها، ظرفیت نهادی و حکمروایی نقش مهمی در تدوین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های توسعه به‌طور اعم و توسعه محلی و منطقه‌ای به‌طور خاص دارند (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۴۹). در کنار این حرکت در بخش‌های مختلف اقتصادی نشان‌دهنده تمایل کارآفرینان به کار در بخش غیررسمی نتیجه عدم تقارن بین نهادهای رسمی (مدون، دارای قوانین و مقررات) و نهادهای غیررسمی (هنجارها، ارزشها و کدهای رفتاری) است.

نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، کاربست ظرفیت نهادی در تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای در رأس برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشورهای جهان درآمده، با این حال در کشورهای کمتر توسعه یافته این مهم مورد غفلت واقع شده است. این نهادها به عنوان کارگزاران توسعه نقش بی‌بدیلی در تحولات فضایی در مقیاس سرزمینی دارند که به عنوان محرکه‌های توسعه شناخته می‌شوند. گرچه محققان نهادگرایی و ادبیات مربوط به آن غالباً با حوزه اقتصاد گره خورده و حتی توسعه را صرفاً از منظر اقتصادی می‌نگردند با این حال در سال‌های اخیر تحولات مختلفی به وقع پیوسته که اهمیت جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، مدیریتی، سیاسی و ... در شناخت و تحقق توسعه پایدار بیش از پیش نمایان است و حتی گاهی تحت عنوان زیربناهای توسعه شناخته می‌شوند در همین حال، رویکردهای نهادی نیز گرایش فراوانی به نیازهای اجتماعی در حوزه‌های زیست اجتماعی دارند که چه به صورت اتفاقی یا به صورت برنامه‌ریزی شده درگیر مسائل اجتماعی و محیطی شهروندان گشته‌اند. در همین راستا انطباق آشکاری بین رویکرد نهادی جدید و نیازهای اجتماعی برای تحقق توسعه وجود دارد گرچه سابقه آن شاید به کمتر از یک دهه اخیر بازگردد اما رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین پارادایم‌ها و الگوهای نهادینه‌سازی توسعه شناخته می‌شود. این نهادها با ظرفیت‌هایی که بر اساس ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و قانونی جوامع به آن‌ها داده می‌شود نوع متفاوتی از عملکرد را بر مبنای نیازهای اجتماعی منعکس می‌کنند که از یک‌سو می‌توانند بر توسعه پایدار و نهادینه‌سازی آن تأثیر جاودانه‌ای را بر جای بگذارند یا عاملی برای رانت و سواستفاده از موقعیت‌های اجتماع باشند اما تجربیات جهانی نشان می‌دهد که نهادها با وفاق و میثاق جمعی توانسته‌اند حتی در اقتصادهای عقب‌افتاده تأثیر هرچند اندکی بر توسعه داشته باشند گرچه با موانع بسیاری روبرو هستند و کارایی آن‌ها مختل شده است. در همین راستا رویه‌ای شدن توسعه پایدار در مقیاس منطقه‌ای در گرو ظرفیت نهادی و میزان بهره‌برداری از آن است تا نابرابری‌های درون‌منطقه‌ای به‌واسطه رویکرد و عملکرد نهادها به کمترین میزان ممکن برسد. مقیاس منطقه می‌تواند مناسب‌ترین فضا برای تجلی توسعه بر اساس کارکرد نهادی باشد زیرا فضای منطقه آمیخته به منابع و سرمایه‌های متنوعی است که در مقیاس سرزمینی تجمع گشته که نه آنقدر بزرگ است که نتوان برنامه‌ریزی برای آن صورت داد و نه آنقدر کوچک است که موجب کنار گذاشتن رویکرد نهادی باشد به

همین دلیل ضرورت ورود رویکرد نهادگرایی در برنامه‌ریزی پس از رویکردهای نوسازی و وابستگی بیش‌ازپیش مطرح گشته و با شکست تجربیات مرتبط با توسعه برون‌گرا و درون‌گرا به‌نظر می‌رسد می‌توان راهکار متعادل‌تری را بر مبنای عملکرد نهادهای پیشنهاد داد زیرا در تجمیع منابع برای ارتقای ظرفیت عاری از دیدگاه‌های افراطی و تفریطی مربوط نوع بهره‌برداری از سرمایه‌های درونی یا بیرونی است و صرفاً بر منابع بالقوه‌ای که می‌تواند بالفعل شود تمرکز دارد.

منابع

- اسماعیل‌زاده، حسن؛ رضویان، محمدتقی و مهدی‌علیان (۱۳۹۷)، جستاری بر رویکرد نهادگرایی در توسعه منطقه‌ای، کنگره بین‌المللی معماری و شهرسازی معاصر پیشرو در کشورهای اسلامی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- حبیبی، مسعود (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی دولت نهادهای و توسعه صنعتی در ایران، فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی، شماره ۱۶، ۵۹-۷۰.
- دانشور، مریم، غفاری، علی، ماجدی، حمید. (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی راهبردی در بستر نهادگرایی، نظریه‌ای برای عمل. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۲۵)، ۳۱۹-۳۲۸.
- عظیمی، میکائیل. (۱۳۹۶). تبیین نهادگرایی از عدم تعادل منطقه‌ای در ایران. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۲(۳)، ۱۶۶-۱۳۹.
- علیان، مهدی (۱۳۹۸)، تبیین نهادگرایی در حکمروایی منطقه‌ای (مورد پژوهی: منطقه کلانشهری تهران)، رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- فرجی‌راد، خ و کاظمیان، غ. (۱۳۹۱)، توسعه محلی و منطقه‌ای از منظر رویکرد نهادی، (نسخه اول)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- متوسلی محمود. فتح‌اللهی جواد (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در تحلیل مسائل توسعه ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۰(۳)، ۵۲-۲۵.
- مشهدی‌احمد، محمود. (۱۳۹۲). معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳(۴۸)، ۷۷-۴۹.
- مومنی، فرشاد، نیکونستی، علی. (۱۳۹۶). رویکرد نهادی به توسعه و دلالت‌های آن برای ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷(۶۴)، ۱۴۱-۱۹۹.

- نایب، سعید (۱۳۹۵)، ویژگی‌های تبیین در دستگاه نظری نهادگرایی جدید، فصلنامه اقتصاد تطبیقی،

۳ (۱)، ۸۳-۱۶

- Abram, S. (2000). Planning the public: some comments on empirical problems for planning theory. *Journal of Planning Education and Research*, 19, 351-357
- Bardhan, p., (2005) "institution matter, but which ones? "economic of transition, vol.13, No.3
- Faludi, A., (2000), *The Revival of Strategic Spatial Planning*, Amsterdam, Royal Netherlands Academy of Arts and Science
- Goldsmith, A. A. (1992). Institutional development in national agricultural research: issues for impact assessment. *Public Administration and Development*, 13, 195-204
- Healey, P. (1999). Institutional analysis, communicative planning and shaping places. *Journal of Planning Education and Research*, 19, 111—21.
- Healy, P. (2006). *Collaborative planning: Shaping Places in Fragmented Societies* (2nd ed.). Hampshire: Palgrave Macmillan
- Hodgson, G. M. (2006). What are institutions? *Journal of Economic Issues*, 40(1), 1-25
- Hudson , (2005) , " Monitoring and Evaluating Community - Based Projects " WWF UK
- Jameson, K. P. (2006). Has institutionalism won the development debate? *Journal of Economic Issues*, 40(2), 369-375
- Lin, J. Y., & Negent, J. B. (1995). Institutions and Economic Development. In J. Behrman, & T. N. Srinivasan (Eds.), *Handbook of Development Economics* (pp. 2301-2370). NorthHolland
- North, D. C. (1992). *The New Institutional Economics and Development*. Washington University.
- Verma,N (2007), *Institutions and Planning*, Elsevier, New York.
- Williamson, O. (2002) "The Theory of the Firm as Governance Structure: From Choice to Contract", *The Journal of Economic Perspectives*, Vol. 16, No. 3 ,PP.171-195